



با تعطیلی اردوهای تیم ملی کشتی آزاد و فرنگی تا زمانی نامشخص به دلیل وپروس کرونا، هر دو تیم آزاد و فرنگی در راه کسب سهمیه‌های اقامت‌مانده المپیک ضرب به خورند اما سهم‌شاگردان محمد بنا از این ثبعت منفی بسیار بیشتر بود. چراکه برنامه‌های کشتی فرنگی بیش از این هم در اواسط سال جاری به دلیل لغو میزبانی جام جهانی در تهران دستخوش تغییر شده بود و در آن بازه زمانی اصا مشخص نبود شاگردان بنا باید در اردو همانند و تمرین کنند یا به هر خصی بروند. حالام دومین بالانکلیفی گربانیگر کشتی فرنگی شد، با این تفاوت که این تیم هنوز سه سهمیه المپیک را کسب نکرده است. سهمیه‌هایی که قرار بود طی روزهای ۸ تا ۱۰ فروردین در مسابقات گزینشی قرقیزستان کسب شود و محمد بنا و همکارانش حساب زیادی برای رسیدن به هدفشان در این میدان سبایی باز کرده بودند. البته محمد بنا علاوه بر غنغده کسب این سهمیه‌ها، نگران سلامتی کشتی گیران نخبه و ملی پوش است که حالا به نوعی رها شده و به شهر و دیار خود رفته‌اند. بنا در تازه‌ترین اظهارات خود در رسانه‌ها اعلام کرده که ما هنوز در شرایط کنونی یک نفر که برای وپروس کرونا مبتلا شده را به قرقطینه می‌برند تا سلامت خود را به دست بیاورد، آیا بهتر نیست نخبه‌های المپیک‌ی مان را هم زودتر به قرقطینه ببریم تا مبادا به وپروس کرونا مبتلا نشوند؟ به عقیده سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی بحث کسب سهمیه‌های المپیک و اهمیت آن برای اندر اسیون کشتی از کسی پوشیده نیست اما قطعاً بیرون ماندن ورزشکاران از اردو در این مقطع برای آنها خطر بیشتری خواهد داشت. در نتیجه بهتر است با استفاده منطقی و اصولی از امکانات آکادمی المپیک در کنار تیم پزشکی، از این فضا برای برگزاری اردو‌ها و همچنین در قرقطینه ورزشکاران المپیک‌ی استفاده کرد. به هر حال زمان زیادی برای هر دو تیم آزاد و فرنگی از دست رفته و حالا اتحادیه جهانی کشتی هم وعده داده که رقابت‌های گزینشی اردو در تاریخ جدید برگزار خواهد کرد. طبق اعلام اتحادیه جهانی کشتی قرار است مسابقات گزینشی در قاره آسیا در یکی از تاریخ‌های ۱۵ تا ۱۷ فروردین و با ۲۳ تا ۲۵ فروردین سال پنده برگزار شود که البته هنوز کشور میزبان ن مشخص نشده است. از سویی دیگر بنا در انتظار نتایج نشست روز دوشنبه فدراسیون کشتی با متولیان وزارت ورزش است تا در خصوص برگزاری احتمالی اردوهای تیم ملی کشتی در محیطی ایزوله شده و مناسب برای کشتی گیران تصمیم گیری شود.

وقف سا بر پشت نیمه نهایی

تیم ملی شمشیر بازی اسلحه سایر ایران با شکست برابر آلمان از صعود به نیمه‌نهایی جام جهانی لوکر آمبورگ باز ماند. دیدار تیم‌های ملی شمشیربازی آلمان و ایران روز گذشته در جدول هشت تیمی جام جهانی لوکر آمبورگ برگزار شد که طی آن تیم کشورمان با نتیجه ۴۵ به ۲۸ متحمل شکست شد. ملی پوشان شمشیر بازی ایران با این نتیجه از صعود به مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی لوکر آمبورگ باز ماندند تا کارشان برای کسب رده پنجم تا هشتم ادامه پیدا کند. برای پاکدامن، محمد رهبری و محمد فتوحی ترکیب تیم ملی ایران را در این مسابقات تشکیل می‌دهند.

شرط عجیب اردنی‌ها

مسابقات توکاندو انتخابی المپیک قرار است ۲۲ تا ۲۴ فروردین در امان برگزار شود اما نندراسیون اردن از کفندراسیون آسیا خواست تا این مسابقات را به تعویق بیندازد. این کشور همچنین شروط سختی را برای کشورهای مثل ایران، چین، کره و... گذاشته که با مشکل بیروس کرونا دست و پنجه نرم می کنند. اردن از این کشورها خواسته برای حضور در مسابقات باید ۱۴ روز در کشور دیگری در قرنطینه باشند. نندراسیون توکاندو ایران هم این مسائل را با کفندراسیون آسیا در میان گذاشته و حتی پیشهاد کرده میزبانی انتخابی المپیک بکنند. بهرمانی آسیا به لبنان داده شود.

آریطاری

قرار بود سال جدید برای فوتبال ایران، با معرفی رییس تازه فدراسیون فوتبال آغاز شود اما به نظر می‌رسد چنین اتفاقی در نهایت رخ نخواهد داد. چرا که با اساسنامه فعلی، فیفا اجازه برگزاری انتخابات را به فدراسیون فوتبال نخواهد داد. این یک ابزوریزی بزرگ دیگر در ابعاد بین‌المللی برای ورزش ایران است. چرا که همین جدی‌فروخته پیش، فیفا فدراسیون فوتبال ایران را

چہرہ بہ چہرہ

وقتی برانکو هم پرسپولیس را محکوم کرد

فاجعه سرخ!

باشگاه فوتبال پرسپولیس به پرداخت بیش از یک میلیون یورو به بانک و بانکو پیج محکوم شده است. رای که برای این باشگاه مثل روز روشن به نظر می‌رسید، آنها حالا باید این مبلغ را ظرف ۳۰ روز به اضافه هزینه‌های دادرسی شکایت پرسپولیس، بپردازند. بدی سنگین به بانک کرد که کارن قدم‌هایی که باشگاه باید به ویمیر و کالدرانو پرداخت کند، یک‌مستأن بسیار سخت‌و غفرینی برای پرسپولیس می‌سازد. آنها به خوبی می‌دانند که فیفا شوخی برادر نیست و اگر مبلغ دستمزد پرسپولیس با هم به تأخیر انداخته شود و پرداخت نشود، باشگاه با خطر جدی کسر امتیاز روبه‌رو خواهد شد. علاوه بر این، ممکن است قمارها از حضور در پنجره‌های بدی نقل و انتقالات بازی محروم شوند. این تاوان باشگاه است که می‌تواند

اتفاق روز

درباره حضور کریم باقری روی نیمکت تیم ملی

درست امانا کافی!

آریاره‌نورد

مربانیان مثل برانکو و کی‌روش، کادر فنی ثابتی دارند و این نگرانی را بخودشان از یک تیم به تیمی دیگر می‌پزند. برای در اگان اسکو کوچ اما این ماجرا صادق نمی‌کند. در او هر تیمی، یک کادر متفاوت داشته و حالا در تیم ملی نیز، همین سیاست را در پیش گرفته‌است. در هر بار او دستیاران ایرانی را به خود کرده و مخالفی باورود آن‌ها به کادر فنی نشان نداده‌است. کمر فراقی، انتخاب ایده‌آلی برای نیمکت این تیم به نظر می‌رسد. چرا که او قبلاً متحاشی را به عنوان یک «بزرگ‌تر» در پر سپولیس پس داده‌است. با این وجود همه می‌دانند که کریم هیچ آمال به «سرمربی» شدن در آینده ندارد. در نتیجه کادر فنی تیم ملی، هنوز می‌تواند یک مربی ایرانی جاذب‌توجه در نزد کادر فنی بنامد.

زمزمه‌های مربوط به پیوستن کریم باقری به تیم ملی، سرانجام به حقیقت تبدیل شدند و مربی قرمزها، رسماً به عنوان

مهدي تاج در آخرين ماه‌هاي حضور روي صندلي رياست ف

مهدی تاج در آخرین ماه‌های حضور روی صندلی ریاست فدراسیون فوتبال، همواره با انتقادهای زیادی در مورد «اساسنامه» این فدراسیون روبه‌رو بود. تاج و اطرافیان‌ش البته همه انتقادهارانسبت به این اساسنامه مردودی دانستند اما حالا تذکر کاملاً جدی فیفا به فدراسیون فوتبال ایران، نشان می‌دهد که همه انتقادهادر مورد به تأیید نرسیدن اساسنامه در فدراسیون جهانی فوتبال، حقیقت داشته‌اند. حالا دیگر مهدی تاج در جایگاه ریاست نیست اما همکاران سابق او در این فدراسیون، همچنان مشغول فاصله‌گرفتن از شفافیت هستند.



اسانامہ فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران

(اصلاحیہ برائے سائنس، جلد ۷، اکتوبر ۲۰۱۲ء، مقالات فیضانِ زورینج)

به دروغ‌گویی در اعطای مجوز حرفه‌ای به چند باشگاه، متهم کرده و جریمه سنگینی نیز برای این فدراسیون در نظر گرفته بود. ظاهراً اساسنامه فعلی فدراسیون فوتبال، با تأیید از سوی فیفا روبرو نشده است. برخی از اعضای مجمع فدراسیون، تصمیم داشتند انتخابات را در همین شرایط برگزار کنند و هر گونه تغییر در اساسنامه را به رییس جدید واگذار کنند اما در کار خود، به نظر می‌رسد انتخابات از کار نخوابد. بود. چرا که بر اساس اعلام رسمی فیفا تا

زمانه‌ای که تغییرات بنیادین در اساسنامه صورت بگیرد، خبری از برگزاری یک انتخابات سالم و مستقل نخواهد بود. اگر در چنین وضعیتی فدراسیون فوتبال اصرار به برگزاری انتخابات داشته باشد، ممکن است خطری مثل تعلیق فوتبال، ایران را تهدید کند. در نتیجه فدراسیون در این شرایط، شانس‌هایی برای برگزاری انتخابات ندارد. در همه ماه‌های گذشته، فدراسیون سازمان بازیگری را با نهادهای داخلی مثل سلاسل‌های بان و در مورد موضوع بازنشسته‌ها پشت سر گذاشته

است. بر اساس قانون، باز نشستگان باید
برای حضور در فراسیون فوتبال اقدام
کنند اما چند نفر از کاندیداهای حضور
در فراسیون، افراد باز نشستہ هستند.
کاملاً جود طبعیست تا همه‌ی های فینا،
برای ورود به است و است با رایزنی و رویت،
خبر از برگزاری انتخابات نخواهد شد.
شاید فراسیونی‌ها راهکاری برای دور
زدن قوانین داخلی پیدا کنند اما در مورد
قوانین فینا، چنین شناسی برای آنها
عملا و در دسترس نیست.

بکشد تا دیگر اوضاع عملاً از کنترل خارج باشد. اگر در دوران مدیریت ایرج عرب دستمزد این مربی پرداخت می‌شد، پرفسور اصلانی توانست اقرارش را از یک طرفه فسخ کند. در آن صورت، باشگاه در صورت تمایل برانکو برای پیوستن به الاهلی، از باشگاه عربستانی پول دریافت می‌کرد. در واقع باشگاه به راحتی می‌توانست از همین طریق، هزینه لازم برای پرداخت دستمزد برانکو را به دست بیاورد. مدیران وقت باشگاه امانیت به همین حقیقت ساده‌بی‌توجه بودند. آنها پول برانکو را ندادند تا این مربی، به راحتی بتواند اقرارش را فسخ کند و باشگاه الاهلی موفق شود بدون پرداخت هیچ رقی، این مربی را به صورت آزاد به خدمت بگیرد. اگر دستمزد برانکو حداقل در یکی از همان دوشنبه‌های مدنظر ایرج عرب پرداخت می‌شد، این مربی مشکلی برای کار کردن در تیم ملی نداشت اما پرسپولیس ماهی‌همین سادگی، این فرصت را از خودشان و از تیم ملی گرفتند. برانکو به جای ایران، راهی عمان شد و

نواقف کردن با سر مری‌اش، همه چیز را به آینده موکول می‌کند. این تاوان مدیریتی است که لایذ انتظار داشته با یک معجزه در هر پرنده برانکو پیروز شود اما حالاً طعم تلخ یک شکست را چشیده است. این تاوان مدیریتی است که همه چیز را به آینده موکول می‌کند و اصلی‌ترین وظایفش را به سادگی زیاده می‌برد.

پرسپولیس‌ها؛ از مدت‌ها قبل، می‌دانستند که باید دستمزد پراکنده را پرداخت کنند. این مریه یکی از بهترین و موفق‌ترین پرسپولیس‌های تاریخ است و هیچ‌کس نباید برای دریافت دستمزد، سبب به او در اولویت قرار می‌گرفت. پرسپولیس می‌توانست حداقل با بخشی از دستمزد پراکنده؛ از سر مریه قدر دانی کند اما آنها به راحتی اجازه دادند که کارشان با این مریه موفق، به دادگاه

ملی داشته باشد. فهرست‌های ویلموتس و غیبت چند بازیکن موثر و کاملاً مدردار آن نشان می‌داد که دستیار ایرانی او نیز از فضای فوتبال ایران دور بوده و نمی‌تواند مربی بلژیکی را برای رسیدن به بهترین ترکیب ممکن برای تیم اهن‌های کند. شاید اگر وحید فقط کمی امیدوار کننده‌تر نشان می‌داد، هدایت تیم ملی پس از فاجعه ویلموتس به او سپرده می‌شد. هلی کوپتر اما در قوارهای کار کردن در تیم ملی به عنوان سرمربی نبود و عملیات نواست: این فرصت به درستی استفاده شدند.

دوران طولانی حضور کی‌روش روی نیمکت تیم ملی، عملاً با یک دستیار ایرانی «داوری» سپری شد. مارکا آقاجانیان آنقدر از پرستیژ مربیگری دور بود که پس از جدایی کی‌روش، حتی از سطح سوم فوتبال ایران نیز پیشنهاد مربیگری نداشت. سبک کاری مرد پر تغالی، طوری نبود که بتواند با مربی جوان کنار بیاید. از طرفی مریدان جوان فوتبال ایران نیز نمی‌توانستند این وضعیت را برای مدتی طولانی تحمل کنند. علی کریمی درست قبل از جام ملت‌های استرالیا، از کادرفنی کارلوس جادشود جواد نگوام که همیشه فوتبالیست محبوب این مربی بود، خیلی زود راهش را از حضور در تیم ملی جدا کرد. کی‌روش فردی پر تغالی، هر روز اوغز و لاغر می‌شد و حتی مجبئی صالح به حالت فنی پذیرفته تیم را ترک کرد. قبل از کارلوس کی‌روش، افشین قطبی پذیرفته

یکی از دستیاران در اگان اسکوچ انتخاب شد. حضور همزمان کریم در تیم ملی و پرسپولیس، تا حدودی نشان می‌دهد که او قرار نیست به لحاظ فنی، نقش پررنگی در تیم ملی داشته باشد. به نظر می‌رسد باقی‌ی بیشتر به عنوان چهارم‌های مقبول و محبوب، برای انضباط بخشیدن به تیم ملی در نظر گرفته شده است. او همیشه یکی از چهاره‌های خوش نام فوتبال ایران بوده و از سوی بازیکنان که در اردوی تیم ملی نیز با آغوش باز پذیرفته خواهد شد. حال که اسکوچ پذیرفته‌شده تازمان مربیان ایرانی در کادر فنی استفاده کند، باید از این فرصت برای نشان دادن کمری جوان و مستعد در کنار او روی نیمکت بهره‌بریم. شاید این مربی، بتواند یکی از گزین‌های آینده تیم ملی نیز تلقی شود. این فرصتی است که فدراسیون، به هیچ وجه نباید از دست بدهد. چرا که هیچ کس نمی‌داند پس از اسکوچ، چه چیزی در انتظار تیم ملی خواهد بود. جذب مربیان خارجی، دلما برای فوتبال ایران دشوارتر می‌شود اما فدراسیون، عملاً هیچ قدمی برای تربیت مربیان مستعد برای آینده تیم ملی بر نمی‌دارد. این اشتباهی است که در دوره‌های گذشته بارها تکرار شده و دیگر نباید به هیچ وجه تکرار شود. در دوران کوتاه حضور مارکو ویلموتس در تیم ملی، وحید هاشمیان به عنوان کمک اول او در نظر گرفته شد. با این وجود بر خلاف انتظار، مارکو هیچ نتوانست ثابت میثبتی در اردوهای تیم

فدراسیون فوتبال با نسخه انگلیسی ارائه شده به فیفا، به خودی خود یک رسوایی بزرگ به شمار می‌رود. این رسوایی در هر کشور دیگری به استیغالی دسته جمعی مدیران فدراسیون فوتبال ختم می‌شد اما در ایران این مدیران، بدون کوچک‌ترین مشکلی به کارشان ادامه می‌دهند و نگرانی خاصی از این احساس نمی‌کنند. آنها حداقل باید به هواداران فوتبال در ایران توضیح بدهند که این مدت، چه بخشی از اساسنامه دارد فوتبال ایران به اجراء آورده‌اند و در مقابل، چه توضیحی در مورد آن به فیفا ارائه کرده‌اند. آنها باید توضیح بدهند که این مغایرت، چرا و بر چه اساسی به وجود آمده است. علاوه بر این در نامه فیفا به فدراسیون فوتبال، به این موضوع اشاره شده که وزارت ورزش نباید در مجمع انتخاباتی فدراسیون، حق رأی داشته باشد. وزارت ورزش برای فدراسیون‌ها نه تنها حق رأی دارد، بلکه عملاً گزیننده خاص خودش را نیز به صحنه رقابت می‌آورد و شرایط را به سود او تغییر می‌دهد اما در فوتبال، مواضع کمی متفاوت است. چرا که فیفا همه چیز را بر نظر دارد و به دقت مواضع را رصد می‌کند تا نهادهای سیاسی نتوانند تأثیری در فوتبال بگذارند. همین موضوع موجب می‌شود که فیفا فعلاً اجازه برگزاری انتخابات را به فدراسیون ندهد. گهته می‌شود که اساسنامه فعلی فدراسیون آخرین بار در سال ۹۰ اصلاح شده و پس از آن هیچ تغییر مهمی در آن به وجود نیامده است. در واقع فدراسیونی‌ها چندین سال در این مورد با هواداران فوتبال در ایران روبرو نبوده‌اند و حالاً نیز مجبور شده‌اند که به مشکلات موجود در اساسنامه اعتراف کنند. شرایط فدراسیون در این سال‌ها به گونه‌ای بوده که حالا به جای چهار هابه مطرح، خوشام و پروازه فوتبال، یک مشت مدیر شکست خورده برای ریاست

مقایرت متن فارسی
اساسنامه فدراسیون
فوتبال بانسخه انگلیسی
ارائه شده به فیفا، به خودی
خود یک رسوایی بزرگ به
شمار می رود. این رسوایی
در هر کشور دیگری به
استعفای دسته جمعی
مدیران فدراسیون فوتبال
ختم می شد اما در ایران این
مدیران، بدون کوچک ترین
مشکلی به کارشان ادامه
می دهند و نگرانی خاصی را
نیز احساس نمی کنند

روزه بعدی پیش قدم شده‌اند. مدیرانی به‌به خوبی می‌دانند در ساختار معیوب فعلی، مشکلی برای کار کردن نخواهند داشت.

توجیه و رسوای بعدی فدراسیون
ای ناکامی های مدیریتی، از همین
الا مشخص خواهد بود. آنها در چه
بدهکاری های فدراسیون را بهانه
کنند و از سوی دیگر نیز، از مشکلات
اختاری موجود در این نهاد به عنوان
میل جبری برای ضعیف شدن فدراسیون
الاه هیچ نهادی پاسخگو نبود و حالا
که به دلیل مشکل قلبی از فدراسیون
سته، به هیچ وجه به خاطر همه حقایق
پنهان شده در دوران ریاستش به هیچ
دای جواب پس نمی دهد. در چنین
ابطایی، هرگز نباید انتظار داشته باشیم
تارهای سابق تیم ملی برای حضور
فدراسیون فوتبال پیش قدم شوند
که فدراسیون فوتبال در فقدان
کارکاشفای اداره می شود و حضور در
کوچک ترین جذابیتی برای مدیران
و شومان ندارد.



جذب کالدرن، به راحتی می توانستند مطلب برانکو را صاف کنند اما مثل همیشه، این وظیفه مهم را پشت گوش انداختند. حالا باشگاه در معرض یکی از مهم ترین چالش های تاریخش قرار دارد و با ادامه این روند، باید خودش را برای پنج رجه های بسته نقل و انتقالات آماده کند.

پرسپولیس‌ها را هر چه را رفتند که پایان خوشایندی
نداشت، تاسف‌بار اینکه پرسپولیس در همین مدت،
هزینه زیادی برای خارجی‌ها انجام داد. باشگاه
از سال گذشته تا امروز، ماریو بودیمیر، آنتونی
استوکس و کریستین اوساگونا را جذب کرده
است. آنها با هزینه خریدین سه‌بار یک‌دیگر و همچنین

بود تا علیرضا منصورمیران را به عنوان بخشی از کادر فنی اش در نظر بگیرد. دوران حضور قطعی در تیم ملی اما خیلی زود به پایان رسید. و پس از آن علیمصنور نیز دیگر جایی در تیم ملی نداشت. علی دایی که قبل از قطعی سر مربی تیم ملی بود، از محمد احمدزاده و روتو مولر به عنوان دستیار استفاده می کرد و پیش از آن نیز بنو قلعنوبی، گروهی از مربیان لیگ برتر را به عنوان دستیار روی نیمکت فرامی داشت. سال ها سال است که در تیم ملی برای «پنده» سرا می کشند و شادی و انتخاب می کنند، چه چیزی را در این مورد تغییر نخواهد داد. مادر کادر فنی تیم ملی، به دستیاران نیاز داریم که: از تجربه مربیان خارجی استفاده کنند تا در یک رنگه احساس و مهم، بتوانند کمک برگی برای تیم ملی باشند. آخرین دستکاری که در تیم ملی به عنوان سرمربی در نظر گرفته شد، برانکو ایوانکوویچ بود. در واقع از سال ۲۰۰۲ تا امروز هرگز این اتفاق در تیم ملی تکرار نشده است. انتخاب های ضعیف برای دستیار مربیان خارجی، عملاً این فرصت مهم، از فوتبال ایران گرفته اما شاید حالا زمانی برای تغییر این عادت دیرینه باشد. تیم ملی در کنار کریم، به مربی ایرانی دیگر نیز احتیاج دارد که خودش در قوا و راه های سرمربی این تیم در آینده باشد. یک مربی که بتواند در دوران پس از اسکو، ایران را دوباره صاحب یک پیروزی بومی کند.